

فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)
سال دوازدهم / دوره جدید / شماره ۴۵ / پاییز ۱۳۹۵
صص ۴۲-۵۲

آثار خانوادگی و اجتماعی رفق و مدارا از منظر فریقین

• محمود کریمی

دانشیار دانشگاه امام صادق (ع) (نویسنده مسئول)

karimii@isu.ac.ir

• زهرا یوسفی

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه مذاهب اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۶/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۹/۲۸

چکیده

زندگی خانوادگی و اجتماعی، با ناملایمات و مشکلاتی آمیخته است که از تراحم منافع افراد با یکدیگر ناشی می‌شود. در صورتی که این ناملایمات استمرار یابد، نه تنها افراد، بلکه نهاد خانواده و جامعه با انحطاط و نابودی مواجه می‌شوند. اسلام به منظور تحکیم روابط خانوادگی و اجتماعی، مراعات اصولی، همچون «رفق» و «مدارا» را پیشنهاد می‌کند. آگاهی از آثار خانوادگی و اجتماعی رفق و مدارا، خانواده‌ها را تشویق می‌کند، تا در ناملایمات و اکنش منطقی نشان داده، از تندروی پرهیزند. در این صورت، افراد و اعضای خانواده با انعطاف خردمندانه، زندگی خانوادگی را سرشار از آرامش، همدلی و همراهی می‌نمایند و از طرفی آرامش و کمال را برای دیگران نیز به ارمغان می‌آورند. اصول رفق و مدارا در مقام تعامل افراد با یکدیگر در احادیث فریقین و نیز آثار علمای امامیه و اهل سنت از همان سده‌های نخستین اسلام مورد اهتمام بوده است. پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی، اصول رفق و مدارا را در منابع فریقین مورد بررسی قرار داده و برجسته‌ترین آثار آنها را در روابط خانوادگی و اجتماعی تبیین می‌نماید. دستاوردهای مقاله نشان می‌دهد که سلامت جسمی و روانی، آرامش، برکت، بهره‌مندی مشروع، رزق وافر و تربیت سالم فرزندان، از جمله آثار خانوادگی، و کینه زدایی، امنیت، محبوبیت، پایداری روابط اجتماعی و تألیف قلوب، از جمله آثار اجتماعی رفق و مدارا هستند.

کلیدواژه‌ها: رفق، مدارا، روابط خانوادگی، روابط اجتماعی، فضایل اخلاقی، تحکیم خانواده.



۴۶

مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی
سال دوازدهم
شماره ۴۵ - پاییز ۱۳۹۵

مقدمه

خانواده حساس‌ترین و مهم‌ترین اجتماعی است که از حداقل دو انسان (زن و شوهر) تشکیل می‌شود. این جامعه به ظاهر کوچک تجلیگاه صمیمانه‌ترین روابط بین دو نفر است که معمولاً پیشینه آشنایی طولانی ندارند و در عین حال، مبدأ پیدایش و کانون پرورش انسانهای دیگری هستند. به همین دلیل می‌توان گفت: خانواده مهم‌ترین نهاد اجتماعی است. پیدایش و پایداری رابطه صمیمانه و حفظ و صیانت از آن، نیازمند پشتوانه‌ای محکم است، تا اعضای خانواده در سایه آن، به کمال مطلوب نایل گردند. دین اسلام به عنوان آخرین و کامل‌ترین آیین، برای دستیابی به زندگی سالم و توأم با سازگاری و آرامش، اصولی را ارائه می‌دهد که یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین آنها «رفق» و «مدارا» در نهاد خانواده و جامعه است. تحقیق حاضر در صدد است تا پس از بررسی مفهوم رفق و مدارا در منابع حدیثی فریقین، آثار و نتایج آن را در سطح خانوادگی و اجتماعی مورد بررسی قرار دهد و کارکردهای مدارا را در روابط خانوادگی و اجتماعی تبیین نماید.

پیشینه بحث

مهم‌ترین متون دینی ما؛ یعنی قرآن و روایات پیامبر(ص) و معصومان(ع)، سرشار از توصیه‌های کارآمد در باب رفق و مدارا هستند. مجموعه تعالیم اسلام در مورد خانواده و جامعه، ما را به نظام و ساختاری رهنمون می‌کند که پاسخ‌گوی همه نیازهای مادی و معنوی این دو نهاد است. علاوه بر آیات قرآن که به رعایت رفق و مدارا در روابط خانوادگی و اجتماعی اشاره کرده، شیخ کلینی در کتاب الکافی دو باب را با عناوین «باب المداراة» و «باب الرفق» به روایات رفق و مدارا اختصاص داده است. شیخ صدوق در کتاب الخصال و علمای پس از وی نیز در کتب حدیثی خود، روایاتی را در موضوع مدارا و

رفق ذکر کرده‌اند. ابن حجر عسقلانی از علمای برجسته حدیث اهل سنت در کتاب فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، ابوابی را به موضوع رفق و مدارا اختصاص داده و احادیثی را ذیل آن مطرح نموده است، برای مثال وی در «کتاب الادب»، دو باب با عناوین «باب الرفق فی الأمر کله» و «باب المداراة مع الناس» ذکر کرده است. وی همچنین در «کتاب النکاح»، بابی را با نام «باب المداراة مع النساء» آورده است. امام محمد غزالی از علمای اخلاق و دانشمند برجسته اهل سنت نیز در کتاب احیاء علوم الدین مطالبی را در باب رفق و مدارا و فضیلت آن بیان نموده است. مهم‌ترین کتابهایی که موضوع رفق و مدارا در آنها به زبان فارسی مورد بحث قرار گرفته است، عبارتند از: تحکیم خانواده، نوشته محمد محمدی ری شهری که براساس روایات به مسائل زوجین پرداخته است و در بخشی از کتاب نشان می‌دهد چگونه مدارا در تربیت دینی اعضای خانواده نقش ایفا می‌کند، نظام خانواده در اسلام، نوشته حسین انصاریان که موضوعات مختلف مربوط به خانواده را مورد بررسی قرار داده که مدارا و نقش آن در تربیت دینی همسران و فرزندان، یکی از این موضوعات است و سیره تربیتی پیامبر(ص) و اهل بیت(ع)، نوشته محمد داودی که در بخشی از آن، به جایگاه و حد و مرز رفق و مدارا اشاره شده است. کتابهای سیره نبوی (منطق عملی)، نوشته دلشاد تهرانی و روابط سالم در خانواده، نوشته داود حسینی نیز مطالب پراکنده‌ای درباره مدارا مطرح کرده‌اند. نوآوری مقاله حاضر در آن است که اولاً؛ به موضوع مدارا در سطح خانواده بسنده نکرده است و آثار آن در جامعه را نیز مطرح می‌کند. ثانیاً؛ به صورت نظام‌مند آثار خانوادگی و اجتماعی رفق و مدارا را دسته‌بندی کرده است که برای مستند کردن دستاوردهای مقاله، به روایات موجود در منابع فریقین مراجعه می‌کند.





مفهوم شناسی رفق و مدارا

رفق و مدارا دو مفهوم کلیدی در این پژوهش هستند که ابتدا در سطح لغوی و اصطلاحی، مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرند:

۱) رفق

برای رفق در لغت معانی گوناگونی از جمله: فایده رساندن و کمک کردن،^۱ میانه روی و اعتدال در انجام کار،^۲ و نرم‌خویی در مقابل تندخویی و شدت عمل، ذکر شده است.^۳ با توجه به معانی مذکور، می‌توان گفت: این واژه در اصطلاح، بدین معنا است که فرد، کاری را زیبا، دقیق، توأم با اعتدال و در عین حال مهربانانه انجام دهد. اصطلاح «رفق» در مقابل «حَرَق» به کار می‌رود که به معنای انجام کار با شدت، خشونت و زشتی است.^۴

۲) مدارا

مدارا در لغت از ماده «دَرَى» یا «دَرَأ» است و در این معانی به کار می‌رود: کسب آگاهی و شناخت از راه مقدمات پنهان،^۵ ملاحظت و برخورد نرم،^۶ و پنهان کردن کینه و دشمنی در برابر رقیب.^۷ مدارا در اصطلاح، به معنای تحمل رفتارهای نابجای دیگران و چشم پوشی از آنها، در زندگی جمعی است.^۸ در برخی از منابع درباره تفاوت «رفق» و «مدارا» چنین آمده است: رفق عمدتاً در مورد موافقان، دوستان و حداکثر در مورد غیرمخالفان به کار می‌رود، در حالی که «مدارا» برای در امان ماندن از شرّ دیگران به کار می‌رود و بیشتر در مورد مخالفان استعمال

می‌شود.^۹ حال آنکه به نظر می‌رسد چنین تفاوتی در منابع روایی لحاظ نشده است، چنان‌که پیامبر(ص) می‌فرماید: «مداراة الناس نصف الايمان و الرفق بهم نصف العيش»؛^{۱۰} «مدارا با مردم (اعم از موافق و مخالف)، نیمی از ایمان و نرمش با آنها، نیمی از زندگی است».

آثار رفق و مدارا

رفق و مدارا سرچشمه آثار مثبت فراوانی در زندگی انسان است که مهم‌ترین آنها، در دو بخش خانوادگی و اجتماعی از این قرار است:

۱) آثار خانوادگی

آثار رفق و مدارا در سطح خانوادگی عبارتند از:

الف) سلامت جسمی و روانی

تحقیقات مربوط به مدارا و سازگاری، نشان می‌دهد که عفو و گذشت در کاهش اضطراب، افسردگی، عصبانیت، پرخاشگری و اختلالات عاطفی - رفتاری، و افزایش اعتماد به نفس، امیدواری و درمان اختلالات روانی مؤثر است. افزون بر آن، نقش مؤثر رفق و مدارا در کاهش بزهکاری، استفاده از مواد مخدر و داروهای آرام‌بخش و نیز کاستن از رفتارهای ضد اجتماعی همچون کم‌رویی، بدبینی و لجبازی، مورد تأیید پژوهشگران قرار گرفته است.^{۱۱} از امام سجاد(ع) روایت شده است: «كَفَّ الْأَذَى مِنْ كَمَالِ الْعَقْلِ وَ فِيهِ رَاحَةٌ لِلْبَدَنِ عَاجِلًا وَ آجِلًا»؛^{۱۲} «خودداری از آزار دیگران، نشانه کمال خرد و مایه آسایش جسم در کوتاه مدت و دراز مدت است». به عبارتی باعث آسایش دو گیتی است، به همین دلیل انسان عاقل آسایش دو گیتی و سلامت جسم و روان خود را به خاطر مدارا نکردن با دیگران از دست

۹. سیره تربیتی پیامبر(ص) و اهل‌بیت(ع)، ج ۲، ص ۲۴۷.

۱۰. الکافی، ج ۲، ص ۱۱۷.

۱۱. «ابطه عفو و گذشت با میزان اضطراب در والدین کودکان

استثنایی و عادی»، صص ۵۶-۵۹.

۱۲. تحف العقول، ص ۲۸۳.

۱. الصحاح، ج ۳، ص ۱۴۸۲.

۲. مجمع البحرین، ج ۵، ص ۲۰۵.

۳. العین، ج ۵، ص ۱۴۹؛ لسان العرب، ج ۱۰، ص ۱۱۸؛ المصباح المنیر،

ج ۲، ص ۱۹۴؛ معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۴۱۸؛ التحقیق، ج ۴، ص ۱۶۳.

۴. شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۳۱۳.

۵. المفردات، ص ۱۶۸.

۶. لسان العرب، ج ۱۴، ص ۲۵۵.

۷. تاج العروس، ج ۱۰، صص ۱۲۴ و ۳۰۹.

۸. معجزه صمیمیت، ج ۳، ص ۹۱۳.

نمی‌دهد. در همین باب، پیامبر(ص) فرموده است: «أَعْقَلُ النَّاسِ أَشَدُّهُمْ مُدَارَاةً لِلنَّاسِ»؛^{۱۳} «عاقل‌ترین مردم کسی است که بیشتر با مردم مدارا کند».

ب) آرامش و طمأنینه

زندگی با ناسازگاریها و نزاعهایی آمیخته شده که ناشی از تراحم منافع افراد با یکدیگر است. در این حال، پرخاشگری، نزاع و درگیری بی‌دلیل، آرامش روحی و روانی فرد را از بین می‌برد. از طرفی نهاد خانواده به عنوان مهم‌ترین کانون رشد و تعالی فردی و اجتماعی، محل دلهره، تشویش و بی‌اعتمادی نیست، بلکه فضای این نهاد باید سرشار از امنیت و آرامش و پراز مهر و محبت باشد، در چنین وضعی غالباً تحمل و سعه صدر، تنها راه برخورداری از آرامش و آسایش در زندگی است. امام علی(ع) در کلامی کوتاه و حکمت‌آمیز، به این واقعیت اشاره فرموده است: «اغض علی القذی والا لم ترض ابدا»؛^{۱۴} «رنج و آزار را تحمل کن، وگرنه هرگز خرسند نخواهی بود». زن و شوهر نیز در سایه مودت و رحمت که عفو و مدارا را به دنبال دارد، آرامش زندگی زناشویی و خانوادگی را تجربه می‌کنند. قرآن می‌فرماید: «وَمَنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»؛^{۱۵} «و از جمله نشانه‌های او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید، تا در کنارشان آرامش یابید و میان شما الفت و رحمت برقرار ساخت، تا نسل بشر را تداوم بخشد. به یقین در آنچه یاد شد، برای مردمی که می‌اندیشند، نشانه‌هایی است بر اینکه تدبیر امور انسانها در اختیار خداوند است».

ج) برکت

تأثیر رفق و مدارا در برکت زندگی به حدی زیاد است که احادیث فراوانی در تأیید این مسئله، وارد شده است. در روایتی پیامبر(ص) رفق را مجسمه

برکت و خشونت را مجسمه شومی معرفی کرده است: «الرَّفْقُ يُمِّنُ وَ الْخَرْقُ شَوْمٌ»؛^{۱۶} «رفق و مدارا، برکت، و خشونت، بی‌برکتی و شومی است».

میزان و معیار برای خیر و محرومیت از آن را باید در مدارا جستجو کرد. پیامبر(ص) می‌فرماید: «إِنَّ فِي الرِّفْقِ الزِّيَادَةَ وَ الْبَرَكَهَ وَ مَنْ يُحْرَمِ الرِّفْقَ يُحْرَمِ الْخَيْرَ»؛^{۱۷} «همانا در رفق، افزایش و برکت است و هرکس از فضیلت رفق محروم باشد، از خیر محروم ماند». نه تنها رفق و نرمی معیاری است برای تشخیص خیر از شر، بلکه هر کاری زمانی که چتر رفق بر آن سایه افکند، زینت پیدا می‌کند و کار خوب اگر تاج مدارا از سر آن برداشته شود، زشت می‌شود. پیامبر(ص) می‌فرماید: «إِنَّ الرِّفْقَ لَمْ يَوْضِعْ عَلَيَّ شَيْءٍ إِلَّا زَانَهُ وَ لَا نُزِعَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا شَانَهُ»؛^{۱۸} «رفق بر کاری نهاده نشد، مگر اینکه آن را زینت داد و از هیچ چیز کنده نشد، مگر اینکه آن را زشت ساخت». در کنار زشتیها با مدارا باید زیبایی تولید کرد. بنابراین برای دریافت خیرات، جدایی از شرور، پیدا کردن زینت و دوری از زشتی در زندگی، یکی از بهترین راهها رفق و مدارا است؛ زیرا در زندگی نوع مردم، کمتر اتفاق می‌افتد زن و شوهر به لحاظ ویژگیهای شخصیتی و ظاهری به گونه‌ای دلخواه یکدیگر باشند که به طور طبیعی سازگاری میان آنان حاصل شود. نوعاً باید به سمت سازگاری حرکت کنند؛ یعنی از طریق رفق و مدارا و امثال آن، خود را به سمت سازگاری سوق دهند و آن را تحصیل نمایند.

د) بهره‌مندی و برخورداری مشروع

یکی از آثار مدارا این است که به وسیله آن می‌توان از مواهب زندگی بهره‌مند شد. فردی که با دیگران مدارا و سازگاری ندارد، نه تنها از آنچه دلخواه او است و در زندگی وجود ندارد، محروم است، بلکه از آنچه هست نیز نمی‌تواند بهره‌گیرد، ولی کسی که مدارا

۱۶. الکافی، ج ۲، ص ۱۱۹.

۱۷. همان.

۱۸. همان.

۱۳. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۹۵.

۱۴. نهج البلاغه، حکمت ۲۱۳.

۱۵. روم، ۲۱.





می‌کند، از آنچه دلخواه او است، بهره‌مند می‌شود.^{۱۹} امام کاظم (ع) می‌فرماید: «الرِّفْقُ نِصْفُ الْعَيْشِ»^{۲۰}: «رفق و مدارا نیمی از زندگی است». کسی که مدارا می‌کند، اگر زندگی کامل ندارد، دست کم از بخشی از آن بهره‌مند می‌شود. پس با مدارا می‌توان از نیمی از زندگی بهره‌مند شد. امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «الرِّفْقُ مِفْتَاحُ النَّجَاحِ»^{۲۱}: «رفق و مدارا کلید بر خورداری و خوشبختی است».

برخی معتقدند که مدارا سبب از دست رفتن نیمی از زندگی انسان می‌شود و عاقلانه نیست انسانها با این نظریه کنار بیایند، بلکه باید راهی پیدا کنند، تا از همه جنبه‌ها و ابعاد زندگی بهره گیرند. اما نباید فراموش نمود که نمی‌توان تمام کمالات و پیشرفت‌ها را در محاسبات عقل بشری گنجانده، کمال بشر آن است که در راستای قرب الهی قدم بردارد و این با خشونت و سخت‌گیری امکان‌پذیر نیست. ما باید از یک سو به وظایف خود عمل کنیم و از سوی دیگر به عالمان وحی متوسل شویم، تا به آنچه که از پیامدش آگاه نیستیم، از طریق آنان اطلاع پیدا کنیم. بنابراین به سخن معصومان (ع) تکیه می‌کنیم، تا خوشبخت شویم.^{۲۲}

پیامبر (ص) در حدیثی منقول از اهل سنت فرمود: «زن مانند استخوان پهلوی کج است، اگر راستش نمایی، آن را می‌شکنی، و اگر (با رفتار مدارا محور) از آن بهره‌جویی، با همان کجی از آن بهره‌مند می‌شوی».^{۲۳} (ه) رزق فراوان

از جمله نعمتهایی که خانواده‌ها به شدت طالب آن هستند، افزایش روزی است، امام علی (ع) می‌فرماید: «مَنْ اسْتَعْمَلَ الرِّفْقَ اسْتَدْرَأَ الرِّزْقَ»^{۲۴}: «کسی که رفق و مدارا به کار گیرد، رزق و روزی فراوان پیدا می‌کند».

فروشنده‌ای که با مشتريان خود مدارا می‌کند، از روزی بیشتری برخوردار است. همچنین همسری که مدارا پیشه می‌کند، به شریک زندگی خود آرامش و انگیزه می‌دهد، تا در مسیر کسب رزق حلال و روزی بیشتر گام بردارد.

در روایت عایشه از پیامبر (ص) آمده است: «إن الله رفيق يحب الرفق و يعطي عليه ما لا يعطي العنف»؛ «همانا خداوند رقیق است و رفق را دوست می‌دارد و عطا می‌کند برای رفیق آنچه را که برای خشونت آن را نمی‌بخشد». همچنین فرموده است: «من يحرم الرفق يحرم الخير كله»؛ «کسی که از رفق محروم مانده باشد، از تمام خوبیها محروم مانده است».^{۲۵}

(و) تربیت سالم فرزندان
روحیه لطیف و احساس پاک کودکان، بیش از همه نیازمند برخوردهای نرم و عاطفی است. رفتارهای ظالمانه پدر و مادر و سخت‌گیریهایی بی حساب، نفرین و دشنام و تنبیه بدنی کودک، برخلاف شرع و عقل است و نتیجه آن سوء تربیت فرزندان است. در مقابل، با تشویق و محبت، رفق و مدارا و دلگرمی دادن به آینده درخشان، بهتر از هر شیوه دیگری می‌توان در تربیت صحیح آنان مؤثر واقع شد.^{۲۶} پیامبر (ص) می‌فرماید: «خدا رحمت کند کسی را که با نیکوکاری، به فرزندش یاری رساند. به این شیوه که از گناهش درگذرد و به درگاه خدا برایش دعا نماید».^{۲۷}

انسان با خشونت و تندمی شاید بتواند برای مدتی کودکان را به انجام وظایف وادار کند، اما هیچ وقت نمی‌تواند از آنها افرادی با شخصیت و بزرگ بسازد.^{۲۸} به جای پرخاشگری و تنبیه بدنی، در مقام تربیت فرزندان باید از مجازاتهای عاطفی همچون بی‌توجهی و قهر کوتاه مدت بهره برد. در روایتی آمده است که امام کاظم (ع) در مواجهه با فردی که از فرزند خود

۱۹. همسران سازگار، ص ۱۰۸.

۲۰. الکافی، ج ۲، ص ۱۲۰.

۲۱. غرر الحکم، ج ۲، ص ۲۴۴.

۲۲. همسران سازگار، ص ۱۰۸.

۲۳. فتح الباری، ج ۹، ص ۲۸۹.

۲۴. عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۵۵.

۲۵. احیاء علوم الدین، ج ۳، ص ۱۶۶.

۲۶. بهداشت روانی، صص ۱۱۴-۱۱۶.

۲۷. بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۹۸.

۲۸. روان شناسی رشد، صص ۱۶۲-۱۶۴.



شکایت کرده بود، فرمود: «لا تضربه و اهجره و لا تطل»؛^{۲۹} «فرزندت را زن و برای ادب کردنش از او فاصله بگیر و با او قهر کن، ولی مراقب باش قهرت طولانی نشود و در کوتاه‌ترین مدت، آشتی کنی».

نکته قابل توجه اینکه یکی از آثار بد خشونت پدر و مادر، تقویت روحیه پرخاشگری در کودک است. از این رو حتی هنگامی که کودک رفتاری پرخاشگرانه از خود بروز می‌دهد، نباید به خشونت و تنبیه بدنی متوسل شد؛ زیرا این عمل به وضوح، اهمیت آن را برای کودک روشن می‌سازد و باعث تشویق او می‌شود. پدر و مادر عصبی و پرخاشگر می‌توانند مطمئن باشند که فرزندانی عصبی و پرخاشگر پرورش خواهند داد.^{۳۰} حفظ خونسردی هنگام عصبانیت، خود درسی عملی به کودک در مقابله صحیح با خشم است.^{۳۱} این نکته را نیز بیافزاییم که انتقادهای لفظی مکرر از رفتار کودک، بسان ضربات فرود آمده چکش بر روی یک گلدان قیمتی، تار و پود اعتماد به نفس وی را نابود می‌سازد. سرزنش لفظی به مراتب بیش از کتک زدن، به اعتماد به نفس کودک لطمه وارد می‌کند؛ زیرا انتقاد، این پیام را در پس خود نهفته دارد که «تو نالایق و بی‌ارزش هستی». کودکانی که مرتب این پیام را دریافت می‌کنند، احساس بی‌قدرتی، نابسندگی و بی‌ارزشی می‌کنند و در نهایت اعتماد به نفس آنان رو به فروپاشی می‌نهد.^{۳۲}

در برخورد با دیگران به ویژه در رفتارهای افراد تحت تربیت، با لغزشها و ناهنجاریهای فراوانی از ناحیه آنان مواجه می‌شویم که اگر در برابر تمامی آنها واکنش نشان دهیم، تأثیر چندانی در اصلاح و تربیت آنان نخواهد داشت. از سوی دیگر اظهار توجه به یک رفتار غلط و سکوت در برابر آن، به نوعی تأیید آن شمرده می‌شود و زشتی آن را کمتر می‌کند. به همین دلیل، تغافل یکی از اصول مهم است که عمل به آن در تربیت فرزندان آثار چشمگیری دارد. جاحظ از دانشمندان معتزلی می‌گوید: محمد بن علی بن حسین امام باقر(ع) اصلاح امور دنیا را در دو کلمه جمع نموده و فرموده است: «اصلاح امور زندگی و معاشرت، پرنمودن پیمانهای است که دوسوم آن، زیرکی و یک سوم آن، نادیده انگاشتن است».^{۳۵} امام علی(ع) نیز می‌فرماید: «شریف‌ترین اخلاق شخص کریم، نادیده انگاشتن چیزی است که می‌داند».^{۳۶} تغافل در واقع یکی از مصادیق مدارا محسوب می‌شود که آثار پسندیده و مثبتی در تربیت فرزندان و زندگی خانوادگی دارد.

۲) آثار اجتماعی

آثار اجتماعی رفق و مدارا عبارتند از:

راه صحیح برخورد با کودک هنگامی که از او خطایی سر می‌زند، این است که کودک را به نرمی و ملایمت متوجه اشتباهش نماییم و با دلایل قاطع و متناسب با توانایی فکریش، او را قانع سازیم که عملی که انجام داده است، از انسان عاقل و فهمیده و با بصیرت سرنمی‌زند.

برخورد با نرمی و ملایمت، طریقه‌ای است که

۳۳. مسند الامام احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۲۵۶.

۳۴. چگونه فرزندان خود را تربیت کنیم، ج ۱، صص ۳۱۱-۳۱۳.

۳۵. البیان و التبیین، ج ۱، ص ۸۴.

۳۶. غرر الحکم، ج ۲، ص ۲۵۶.

۲۹. بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۹۹.

۳۰. روان شناسی کودک، صص ۱۳۶-۱۳۸.

۳۱. آیین تربیت، صص ۲۸۵-۲۸۸.

۳۲. معجزه تشویق، صص ۱۱۸ و ۱۱۹.



الف) کینه زدایی

برترین الگوی رفاقت خدا، و مصداق برجسته رفق او، از بین رفتن کینه‌ها است. امام صادق(ع) می‌فرماید: «انَّ الله تبارک و تعالی رفیق یحبُّ الرفقَ فَمِنْ رفقِه بعباده تسلیله اضغانهم»^{۳۷} «به درستی که خداوند متعال رفیق است و رفق را دوست دارد، از نمونه‌های رفق او نسبت به بندگانش، این است که کینه‌های میان آنان را از بین می‌برد».

انسان نیز باید خود را به همین صفت الهی متصف کند، تا کینه‌ها از بین برود و صلح و آرامش در جامعه برقرار شود. قرآن کریم این واقعیت را چنین بیان می‌کند: «وَلَا تَسْتَوِی الْحَسَنَةُ وَلَا السَّیِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِی بَیْنَكَ وَبَیْنَهُ عَدَاوَةٌ کَأَنَّهُ وَلِیٌّ حَمِیمٌ. وَمَا یُلَاقَاهَا إِلَّا الَّذِینَ صَبَرُوا وَمَا یُلَاقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِیمٍ»^{۳۸} «نیکی با بدی یکسان نیست، بدی را با آنچه خود بهتر است، دفع کن، آن‌گاه کسی که میان تو و میان او دشمنی است، گویی دوستی یکدل می‌گردد. و این خصلت را جز کسانی که شکیبیا بوده‌اند، نمی‌یابند و آن را جز صاحب بهره‌ای بزرگ نخواهد یافت». تعبیر «کَأَنَّهُ وَلِیٌّ حَمِیمٌ» در آیه، به این مطلب اشاره دارد که اگر طرف مقابل واقعاً در صف دوستان صمیمی هم درنیاید، دست کم، در ظاهر، دست از دشمنی برمی‌دارد.^{۳۹}

در سیره عملی معصومان(ع)، موارد فراوانی به چشم می‌خورد که ایشان به کینه زدایی پرداختند. به ذکر نمونه‌ای از آن بسنده می‌شود:

شخصی از اهل شام به مدینه آمد. چشمش به مردی افتاد که در کناری نشسته بود، توجهش به او جلب شد و پرسید: این مرد کیست؟ گفته شد: حسن بن علی. او که تحت تأثیر تبلیغات سوء امویها در شام علیه آل علی(ع) بود، دیگ خشمش به جوش آمد و با قصد قربت، بسیار به او دشنام داد. هرچه خواست

گفت و عقده دل را گشود. امام حسن(ع) بدون آنکه خشم بگیرد و اظهار ناراحتی کند (از باب «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِینَ»^{۴۰} «گذشت پیشه کن و به کار پسندیده فرمان ده و از نادانان رخ برتاب»)، نگاهی پر از مهر و عطوفت به او کرد و پس از آنکه چند آیه از قرآن^{۴۱} قرائت کرد، به او فرمود: ما برای هر نوع خدمت و کمک به تو آماده‌ایم. آن‌گاه از او پرسید: آیا از اهل شامی؟ جواب داد: آری. فرمود: من با این خلق و خوی سابقه دارم و سرچشمه آن را می‌دانم. سپس فرمود: تو در شهر ما غریبی، اگر احتیاجی داری، حاضریم به تو کمک کنیم، در خانه خود از تو پذیرایی کنیم، تو را بیوشانیم و به تو پول بدهیم. مرد شامی که منتظر برخورد شدیدی غیر از این بود، چنان منقلب شد که گفت: آرزو داشتم در آن وقت، زمین شکافته می‌شد و به زمین فرومی‌رفتم. تا آن ساعت برای من در روی زمین، کسی از حسن و پدرش مبعوض تر نبود، و از آن ساعت برعکس، کسی نزد من از او و پدرش محبوب تر نیست!^{۴۲}

بی‌شک، هیچ‌کس به زندگی پر تنش و پراضطراب علاقه‌مند نیست. همه به دنبال انواع آرامش در زندگی هستند و این خواسته از طریق مدارا حاصل می‌شود. امام علی(ع) می‌فرماید: «الرفق یؤدی الی السَّلم»^{۴۳} «رفق و مدارا به زندگی مسالمت آمیز منتهی می‌شود». روزی پیامبر(ص) در منزلش نشسته بود که مخرمه بن نوفل اذن ورود خواست. حضرت فرمود: «او بدترین مرد قبیله خود است، به او اجازه دهید وارد شود». وقتی مخرمه وارد شد، حضرت با خوش‌رویی با او برخورد کرد و او را در جای خود نشاند. وقتی از منزل بیرون رفت، عایشه پرسید: شما در مورد او چیزی گفتی، اما رفتارت با او به گونه‌ای دیگر بود؟! حضرت فرمود: «بدترین مردم روز قیامت

۴۰. اعراف، ۱۹۹.

۴۱. اعراف، ۱۹۹-۲۰۲.

۴۲. تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۳، ص ۲۲۴.

۴۳. غرر الحکم، ج ۲، ص ۲۴۴.

۳۷. الکافی، ج ۲، ص ۱۱۸.

۳۸. فصلت، ۳۴ و ۳۵.

۳۹. تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۲۸۳.



رفیق باش؛ زیرا رفیق بر کاری وارد نشد، مگر اینکه آن را زینت داد و از هیچ چیز کنده نشد، مگر اینکه آن را زشت ساخت». از انس بن مالک نیز روایت شده است که بلال با مقداری تأخیر برای نماز صبح به مسجد آمد. پیامبر (ص) به او فرمود: چرا دیر آمدی؟ بلال گفت: به سوی مسجد می‌آمدم، از کنار در خانه حضرت زهرا (س) عبور کردم، دیدم فاطمه زهرا (س)، پسرش حسن (ع) را (که کودک بود) به زمین گذاشته بود، و کودک گریه می‌کرد، و خود حضرت زهرا (س) مشغول دستاس (آسیا کردن گندم یا جو) بود. به آن حضرت عرض کردم: یکی از این دو کار را به عهده من بگذار، هر کدام را که دوست داری، یا نگهداری کودک را یا دستاس را؟ فرمود: من نسبت به پسر، مهربان‌تر هستم. او به نگهداری کودک پرداخت و من به دستاس مشغول شدم، و همین باعث دیر آمدن من به مسجد شد. پیامبر (ص) برای بلال دعا کرد و فرمود: «رحمتها رحمک الله»؛ «نسبت به فاطمه (س) مهربانی کردی، خداوند به تو مهربانی کند». ۴۹ در روایت دیگری از عایشه از پیامبر (ص) آمده است: «اللهم من رفیق فارقق به و من شق علیهم فشق علیه»؛ ۵۰ «خداوند! هر کس با امت من مهربان است و با نرمی با آنان برخورد می‌کند، تو نیز با او مهربان باش و هر کس بر امت من سخت می‌گیرد، تو نیز بر او سخت بگیر». جابر نیز از پیامبر (ص) نقل کرده است: «مداراة الناس صدقة»؛ ۵۱ «مدارا کردن با مردم خود نوعی صدقه است». صدقه باعث ایجاد رابطه دوستانه و محبوبیت بین مردم می‌شود.

ج) امنیت

یکی از امور مورد نیاز برای هر جامعه‌ای امنیت است، تا در سایه آن، شهروندان بتوانند به مدارج بالایی از کمال دست یابند. قرآن کریم امنیت را به عنوان

کسی است که مردم او را به خاطر در امان ماندن از شرارتش احترام کنند». ۴۴

ب) محبوبیت

یکی از دستاوردهای رفیق و مدارا با مردم، محبوب خدا شدن و نیز کسب محبوبیت در میان مردم است؛ زیرا درگیری با جاهلان، آدمی را در نظر مردم پست و بی‌ارزش می‌سازد و در مقابل، بردباری و بزرگواری، به او شخصیت و عظمت می‌بخشد. از این رو، امام صادق (ع) می‌فرماید: «اگر می‌خواهی گرامی و محترم باشی نرم‌خو باش، و اگر می‌خواهی خوار و ذلیل گردی، خشونت روا دار». ۴۵

از عایشه روایت شده است: گروهی از یهود بر پیامبر (ص) وارد شدند و او را مخاطب قرار داده گفتند: «السام علیکم»؛ «هلاکت بر تو باد»، عایشه می‌گوید: من متوجه گفته آنان شدم و گفتم: «و علیکم السام و اللعنة»؛ «هلاکت و لعنت بر شما باد». در این هنگام پیامبر (ص) فرمود: «صبر کن عایشه! خداوند رفیق و مدارا را در تمام امور دوست دارد». ۴۶ در حدیث دیگری از منابع اهل سنت آمده است: پیامبر (ص) فرمود: «إن الله لیعطی علی الرفق ما لا یعطى علی الخرق وإذا أحب الله عبدا أعطاه الرفق وما من أهل بیت یحرمون الرفق إلا حرموا محبة الله تعالی»؛ ۴۷ «همانا خداوند عطا می‌کند بر رفیق، آنچه را که عطا نمی‌کند بر تندخویی، و اگر بنده‌ای را دوست بدارد، به او رفیق و مهربانی را عطا می‌فرماید و هیچ اهل خانه‌ای محروم از رفیق نمی‌شوند، مگر آنکه از محبت خداوند محروم گشته باشند».

در حدیث دیگری پیامبر (ص) به عایشه فرمود: «یا عائشة علیک بالرفق فإنه لا یدخل فی شیء إلا زانه ولا ینزع من شیء إلا شانه»؛ ۴۸ «ای عایشه! ملازم با

۴۴. صحیح البخاری، ج ۵، ص ۵۰۶.

۴۵. الکافی، ج ۲، ص ۱۱۶.

۴۶. فتح الباری، ج ۱۰، ص ۵۰۶.

۴۷. احیاء علوم الدین، ج ۳، ص ۱۸۵.

۴۸. همان، ج ۳، ص ۱۶۶.

۴۹. مسند الامام احمد بن حنبل، ج ۶، ص ۲۹.

۵۰. همان، ج ۶، ص ۶۲.

۵۱. صحیح ابن حبان، ج ۲، ص ۲۱۶؛ المعجم الأوسط، ج ۱، ص ۱۴۶.



نعمتی عطا شده از جانب پروردگار معرفی می‌کند و چنین می‌فرماید: «الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَأَمَّنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ»^{۵۲} «اوست کسی که آنان را از نظر معیشت تأمین کرد و از ترس امانشان داد». امام صادق (ع) نیز وجود امنیت را برای اجتماع ضروری و حیاتی می‌داند، آنجا که می‌فرماید: «ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءُ يَحْتَاجُ النَّاسُ طَرًّا لَهَا، الْأَمْنُ وَالْعَدْلُ وَالْخِصْبُ»^{۵۳} «سه چیز است که همه مردمان به آن نیاز دارند: امنیت، عدالت و فراوانی».

نباید از این مسئله غافل شد که همه شیرینی زندگی در سایه امنیت معنا پیدا می‌کند و کسی که می‌خواهد ایمن باشد، باید مدارا را سرلوحه زندگی خود قرار دهد و گرنه زندگی با ناپسندیهایش به او رو خواهد کرد. امام جواد (ع) در این باره می‌فرماید: «من هجر المداراة قاربه المكروه»^{۵۴} «کسی که مدارا را کنار بگذارد، ناخوشیها به او نزدیک می‌شود». بنابراین برای رسیدن به امنیت، رفتار همراه با مدارا، امری ضروری در حیات اجتماعی است.

د) پایداری روابط اجتماعی

مهم‌ترین عامل قوام زندگی اجتماعی و بهره‌مند شدن از مواهب اجتماع انسانی، استواری و دوام روابط اجتماعی است. استحکام روابط اجتماعی در سایه رفق و مدارا حاصل می‌شود. امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «إِرْفَقْ تَوْفَقْ»^{۵۵} «مدارا کن، تا کامیاب شوی». آن حضرت در حدیثی دیگر نیز می‌فرماید: «بالرفق تداوم الصحبة»^{۵۶} «با رفق و مدارا، مصاحبت و همراهی استوار می‌ماند».

بی‌شک یکی از خواسته‌های افراد در اجتماع، بقا و پایداری روابط و مصاحبتها است. آنها به دنبال یافتن تضمینی برای ثبات زندگی اجتماعی هستند. با رفق

و مدارا می‌توان به این مقصود دست یافت. بنابراین با رفق و مدارا، مصاحبت و همراهی و روابط اجتماعی پایدار می‌ماند.

ه) تألیف قلوب

خداوند سبحان تألیف قلوب و ایجاد وحدت واقعی بین مؤمنان را رحمتی از جانب خود دانسته، خطاب به پیامبر (ص) می‌فرماید: «وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ»^{۵۷} «و میان دل‌هایشان الفت و پیوند برقرار

کرد که اگر همه آنچه را در روی زمین است، هزینه می‌کردی، نمی‌توانستی میان دل‌هایشان الفت برقرار کنی، ولی خداوند میان آنها ایجاد الفت کرد». از سوی دیگر قرآن کریم، نرم‌خویی و خوش خلقی پیامبر (ص) را رحمتی از جانب پروردگار می‌داند که باعث گرایش مردم به دین و پیامبر (ص) می‌شود: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ»^{۵۸} زمانی که پیامبر (ص) بر مشرکان مکه پیروز شد، با سخن مهربانانه (لَا تَثْرِيْبَ عَلَيْكُمْ الْيَوْمَ)^{۵۹} فرمان عفو عمومی داد.^{۶۰} نتیجه این بخشش کریمانه آن شد که مردم، گروه گروه به اسلام روی آوردند: «وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا»^{۶۱}

به یقین مدارا و مهربانی پیامبر (ص)، اهل بیت (ع)، اولیای دین و توده مسلمان در طول تاریخ، مهم‌ترین عامل گسترش اسلام و دعوت مردم به دین و ارزشهای دینی بوده است. امام صادق (ع) در این زمینه می‌فرماید: «مؤمنان باید با مخالفان به مدارا سخن بگویند، تا آنها به ایمان جذب شوند».^{۶۲} سیره توأم با مدارای ائمه اطهار (ع) در طول تاریخ خود، از

۵۷. انفال، ۶۳.

۵۸. آل عمران، ۱۵۹.

۵۹. یوسف، ۹۲.

۶۰. فتوح البلدان، ج ۱، ص ۴۷.

۶۱. نصر، ۲.

۶۲. الکافی، ج ۵، ص ۴۰۱.

۵۲. قریش، ۴.

۵۳. تحف العقول، ص ۲۵۹.

۵۴. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۵۵.

۵۵. همان، ج ۷۱، ص ۲۴۴.

۵۶. غرر الحکم، ج ۲، ص ۲۴۴.

عوامل جذب مخالفان به دین مبین اسلام و الگویی برای دیگر مؤمنان بوده است.

نتیجه‌گیری

۱. آثار خانوادگی رفق و مدارا در منابع شیعه عبارتند از: سلامت جسمی و روانی، آرامش و طمأنینه، برکت، بهره‌مندی و برخورداری مشروع از مواهب خداوند در زندگی دنیوی، رزق و روزی فراوان، و تربیت سالم فرزندان، افزون بر این، رفق و مدارا برخی آثار و برکات اجتماعی را نیز به همراه دارد، مانند: کینه زدایی، محبوبیت، امنیت، پایداری روابط اجتماعی، تألیف قلوب و جذب افراد به دین مبین اسلام.

۲. در کنار دانشمندان امامیه، علمای اهل سنت به ویژه ابن حجر عسقلانی در کتاب *فتح الباری* و امام محمد

غزالی در کتاب *احیاء علوم الدین* نیز مطالب قابل توجهی را در زمینه رفق و مدارا مطرح نموده‌اند که بیانگر اهتمام ایشان به این مسئله است.

۳. بسیاری از آثار رفق و مدارا در روایات شیعه و اهل سنت به طور مشترک بیان شده‌اند. در عین حال در منابع اهل سنت از مدارای با مردم به عنوان صدقه نیز یاد شده است. همچنین اهل سنت بابی را با عنوان *باب المداراة مع النساء* در کتب خود آورده‌اند و مدارا با زنان را شرط اساسی برای بهره‌مندی صحیح از آنها دانسته‌اند. افزون بر این، مدارای غیرمسلمانان با امت مسلمان در احادیث اهل سنت مورد تشویق قرار گرفته و چنین کسانی مشمول دعای پیامبر (ص) شده‌اند.

کتابنامه

- قرآن کریم.
- آمدی، عبدالواحد، *غرر الحکم و درر الکلم*، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷ ش.
- ابن بابویه، محمد بن علی، *من لایحضره الفقیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳ ش.
- ابن حبان، محمد بن حبان، *صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان*، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۴ ق.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، *فتح الباری فی شرح صحیح البخاری*، قاهره، دارالحديث، بی تا.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، *تحف العقول عن آل الرسول*، ترجمه محمدباقر کمراهی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
- ابن عساکر، علی بن حسن، *تاریخ مدینه دمشق*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.
- ابن فارس، احمد بن فارس، *معجم مقاییس اللغة*، بیروت، دارالجیل، بی تا.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، قم، نشر ادب الحوزة، ۱۴۰۵ ق.
- احدی، حسن؛ و شکوه السادات بنی جمالی، *روان شناسی رشد*، تهران، پردیس، ۱۳۷۹ ش.
- احمد بن حنبل، *مسند الامام احمد بن حنبل*، قاهره، مؤسسه قرطبه، ۱۳۹۸ ق.
- اسماعیل بیگی، زهره؛ و حمیدرضا غلامرضایی، *معجزه صمیمیت*، تهران، نسل نواندیش، ۱۳۸۶ ش.
- امینی، ابراهیم، *آیین تربیت*، تهران، اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحیح البخاری*، بیروت، دارطوق النجاة، ۱۴۲۲ ق.
- بلاذری، احمد بن یحیی، *فتوح البلدان*، قاهره، مکتبه النهضة المصریة، ۱۳۷۹ ق.
- جاحظ، عمرو بن بحر، *البيان و التبیین*، قاهره، مکتبه الجاحظ، ۱۳۶۷ ق.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة*، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۳۷۶ ق.
- حسین زاده، علی، *همسران سازگار*، قم، مؤسسه





- آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۸ ش.
- خمینی، سید روح‌الله، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۰ ش.
- داودی، محمد، سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹ ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.
- شاملو، سعید، بهداشت روانی، تهران، رشد، ۱۳۸۱ ش.
- شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تصحیح: صبحی صالح، قم، دارالهجرة، ۱۳۸۵ ش.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الأوسط، قاهره، دارالحریمین، بی تا.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران، المکتبه المرتضویة لاحیاء الآثار الجعفریة، ۱۳۷۵ ش.
- عظیمی، سیروس، روان شناسی کودک، تهران، معرفت، ۱۳۶۹ ش.
- غباری بناب، باقر، «رابطه عفو و گذشت با میزان اضطراب در والدین کودکان استثنایی و عادی»، مجله حوزه و دانشگاه، شماره ۳۱، تابستان ۱۳۸۱ ش.
- غزالی، محمد بن محمد، احیاء علوم الدین، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دار و مکتبه الهلال، ۱۹۸۰ م.
- فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم، دارالرضی، بی تا.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ ش.
- لیشی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، قم، دارالحديث، ۱۳۷۶ ش.
- مارستون، استفانی، معجزه تشویق، ترجمه توراندخت تمدن، تهران، علمی، ۱۳۷۹ ش.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الانوار، تهران، اسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
- مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، المکتبه الحیاة، ۱۱۴۵ ق.
- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۶ ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۳ ش.
- ناصح علوان، عبدالله، چگونه فرزندان خود را تربیت کنیم، ترجمه عبدالله احمدی، تهران، احسان، ۱۳۷۴ ش.